آموزش و پرورش معلمان نباید رها شود

روزنامه ایران نوشت: بعد از تربیت معلمان، باید بتوانیم معلمان را بر اساس یک نظام عدالت‌محور ساماندهی کنیم. ما به معلمان می‌گوییم که خودتان بر اساس امتیاز، محل تدریس‌تان را انتخاب کنید. تحول در نظام آموزش و پرورش، ابعاد مختلفی را دربرمی گیرد که می‌توان مهم‌ترین وجه آن را، تحول در رویکرد مدیران این وزارتخانه نسبت به معلمان دانست. در همین راستا صادق ستاری‌فرد، معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش، به بیان نقاط محوری تحول در خصوص معلمان پرداخت و به «ایران» گفت: ما در بعضی موارد، معلم را در دوره‌های یک‌ساله یا چندساله در دانشگاه فرهنگیان تربیت می کنیم و بعد آنها را برای ۳۰ سال رها می‌کنیم. یا در بهترین حالت، ممکن است دوره‌های ضمن‌خدمت کم کیفیتی را برگزار کنیم و به این دلخوش باشیم که فرم کار را رعایت کرده‌ایم و کارهایی انجام شده است. اما چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که این دوره‌ها چقدر اثربخش بوده و چقدر توانسته به ارتقای توانمندی‌ها و کارآمدسازی آموزشی و پرورشی و بهبود چرخه یادگیری و یاددهی کمک بکند؟

آقایان محترم، در رسوم ملی مردم دخالت نفرمایید

روزنامه مردم سالاری نوشت: رسانه‌ها در هفته گذشته به نقل از امام جمعه تهران نقل کردند که گفته است: «ما با نوروز مخالف نیستیم و نخواهیم بود. منتها نوروز اسلامی!» این قلم که بدون ادعا، آشنای به فقه و کلام اسلامی است و سال‌ها توفیق تحصیل و تدریس آن را در حوزه قم داشته، واقعا نمی‌داند «نوروز اسلامی» یعنی چه؟! اسلام با سه گونه مسائل در مورد فرد و جامعه ارتباط دارد؛ اول؛ احکام عبادی است که قرار آن و مقدمات و شرائط آن منحصرا در اختیار «دین»، و به تعبیر فقیهان در اختیار «شارع مقدس» است. قسم دوم؛ احکام امضایی است که شامل قراردادهای فی مابین جامعه است که «شارع مقدس» آمده و آنها را امضاء و تایید نموده است مانند اشکال مختلف «عقود» و انواع «حقوق». و قسم سوم؛ تمام آن چیزی است که از آداب و رسوم منطقه‌ای و محله‌ای و یا بین‌المللی مردم است که دین دخالتی در آن رابطه ندارد. عید نوروز از این قسم سوم است که فقیهان اصولی از آن به «منطقه الفراغ» نام می‌برند. خوب؛ آیا امکان دارد کسی که از دانش فقه در سطح عالی بهره‌مند باشد قسم سوم را در قسم اول قرار دهد؟ عید نوروز؛ یک عید کهن برای ایران و همه فارسی زبانان بوده و هست. بر حاکمان حاکمیت اسلامی ضروری است که بنا به حکم و دستور امام علی (ع) به مالک اشتر در نهج البلاغه؛ «با رسومات صحیح ملت‌ها مبارزه نکنند». عبارت امام علی چنین است: «آداب و رسوم پسندیده‌ای را که مورد عمل پیشینیان بوده و هم بستگی مردم را در پی داشته و امور اجتماعی مردم بر محور آن سامان یافته است، نقض نکن». شهید استاد مطهری گوید: از جامعیت اسلام است که نسبت به بسیاری از امور دستور نداشته باشد و مردم را آزاد بگذارد. یک سلسله آداب و رسوم میان مردم هست که اگر آنها را انسان از طریق مثبت انجام بدهد، نه جایی خراب می‌شود و نه جایی آباد و اگر ترک هم بکند همین طور. تنگ نظری، تعصّبات خشک و بی مورد، دور از ساحت مقدس اسلام است. شگفتا؛ دیروز فقیه وقت شورای نگهبان می گفت؛ عید نوروز را در عید غدیر قرار دهید! و امروز این فقیه شورای نگهبان چنین می گوید و جعل اصطلاح «نوروز اسلامی» می کند! بله؛ یادمان نرفته آن رئیس جمهور که معجزه هزاره سوم‌ش می‌دانستند! میخواست مقدار تعطیلات عید فطر افزون شود تا نوروز تحت‌الشعاع قرار گیرد! آقایان محترم، در رسوم ملّی مردم دخالت نفرمایید!

نظم امنیتی جدید در غرب آسیا

روزنامه خراسان نوشت: در نظام امنیتی در حال گذار منطقه می‌توان شاهد تشکیل و تکثیر مداوم اتحادها و ائتلاف‌های شبکه‌ای بود که از سوی هر کدام از دو طیف رقابت روی می‌دهد. در ائتلاف‌های شبکه‌ای بازیگران با ائتلافی مواجه می‌شوند که از پیوند بین موضوعات مختلف ایجاد می‌شود و از یک حوزه به حوزه‌های دیگر تسری می‌یابد و قابلیت ترکیبی بودن اهداف، ائتلاف را از منحصر ماندن به یک موضوع خاص خارج می کند. در همین زمینه، هدف غایی آمریکا برای ترویج عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، در کنار تداوم فشارها علیه ایران (از تحریم و آشوب‌آفرینی داخلی تا تلاش برای بستن شریان‌های تنفس اقتصادی همانند تجارت با همسایگان)، جلوگیری از پایان بحران سوریه و فشار بر گروه‌های مقاومت در لبنان و عراق و یمن، همگی در راستای ائتلاف‌سازی برای حفظ نظم هژمونیک آمریکا محور در منطقه است.

با این حال، روند تحولات طی ماه‌های اخیر به صورت تدریجی بی‌ثمر ماندن سیاست‌های آمریکا را نشان داده است. از یک سو اقبال کشورهای عربی به سمت پذیرش مشروعیت نظام سوریه و احیای روابط با این کشور برخلاف خواست آمریکا، طی ماه‌های اخیر روندی رو به فزونی یافته و از طرف دیگر امضای توافق تنش‌زدایی میان ایران و عربستان سعودی با وساطت چین که در روزهای گذشته به دست آمد، ضربه مهلکی به رویای ائتلاف‌سازی ضدایرانی عربی–صهیونیستی بود که به احتمال زیاد آثار امنیت‌ساز آن برای منطقه به ویژه در یمن به خنثی شدن فضای ایران هراسی و طرح فروش توهم امنیت به اعراب از طریق تن دادن به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی منجر خواهد شد.

به تازگی نیز عبدالعزیز البکیر وزیر مشاور دولت نجات ملی یمن از آمادگی امارات برای صلح با صنعا پرده برداشت.وی تصریح کرد که امارات تیم مذاکره کننده خود را برای مذاکرات مستقیم با صنعا برای برقراری صلح آماده می کند.این اظهارات همزمان با سفر شمخانی به امارات وچند روز بعد از اعلام توافق آشتی ایران و عربستان برای ازسرگیری مناسبات دیپلماتیک و بازگشایی سفارتخانه‌های دو کشور حداکثر ظرف دو ماه بیان می شود.

حال به نظر می رسد در مسیر همگرایی منطقه ای یکی از مهم ترین پرونده ها تعیین تکلیف پرونده یمن باشد. بر همین اساس دو نکته مهم در این زمینه وجود دارد:نخست این که از نظر دولت نجات ملی یمن هر گونه صلح با امارات مستلزم پایان دادن به هر شکل تجاوز و اشغال و به رسمیت شناختن وحدت سرزمینی و تمامیت ارضی این کشور در کنار جبران خسارت های نزدیک به ۹ سال تجاوز به این کشور است و این موضوع از این نظر اهمیت و موضوعیت پیدا می کند که بعد از اعلام خروج نظامیان اماراتی از یمن دخالت های این کشور به اشکال دیگر ادامه یافته ، از جمله مصادیق آن می توان به حمایت از شورای انتقالی اشاره کرد که تا پیش از این برای تجزیه جنوب تلاش می کرده اما برخی اخبار حاکی از این است که از این هدف دست کشیده و به اهداف شورای ریاستی که زیر نظر عربستان است، نزدیک شده است.از دیگر مصادیق ادامه دخالت ها و حضور نظامی امارات در یمن بعد از اعلام خروج نظامیان این کشور از یمن استقرار در بنادر و جزایر استراتژیک این کشور از جمله مجمع الجزایر سقطری است که طبق اخبار دریافتی با کمک اسرائیل اقدام به تاسیس پایگاه نظامی و جاسوسی کرده است.

بر این اساس اعلام خبر تدارک امارات برای اعزام هیئت دیپلماتیک به صنعا به منظور مذاکره زمانی ثمربخش خواهد بود که با پایان کامل مداخله و حضور نظامی این کشور به هر شکل ممکن در یمن همراه باشد.دوم این که هرچند نمی توان تاثیر کلی توافق آشتی ایران و عربستان را بر کل تحولات منطقه و حتی جهان از جمله مسئله یمن نادیده گرفت اما در عین حال نباید از این واقعیت نیز غافل شد که کلید حل این مسئله در صنعا و ریاض است و تهران نیز طبعا از حل این مسئله در چارچوب ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و کاهش اختلافات و شکاف ها در جهان عرب و جهان اسلام حمایت و پشتیبانی می کند.اما آن چه مشخص است این که در شطرنج رقابت دو نیروی رقیب برای تعیین آینده نظم امنیتی منطقه، راهبرد آمریکا برای بنیان نهادن نظم جدید بر محور عادی‌سازی روابط، با پاسخ‌های متناسب رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی به زوال گرایید.

تاکتیک‌های بن سلمان

روزنامه شرق نوشت: اگرچه عربستان برای گفت‌وگو و تفاهم با ایران درباره مسائل بین دو کشور و منطقه پیش‌قدم شده است؛ اما ایران هم در شرایط کنونی با وجود مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاصه حوادث چند ماهه اخیر از پیشنهاد این گفت‌وگو استقبال کرد. نکته دیگر اینکه عربستانی‌ها این بار با موضوع یمن پا پیش نگذاشته بودند؛ موضوعی که پیش‌ازاین ایران را متهم به دخالت در سرنوشت یمن می کرد. این گفت‌وگوها که به واسطه‌گری چین صورت می گیرد، نشان می‌دهد عربستان سعودی از سیاست خارجی حسابگرانه‌ای برخوردار است؛ چراکه با توجه به وضعیت داخلی کنونی ایران، عربستان در این شرایط باید به انتظار بنشیند تا بهره‌برداری خودش را بکند؛ اما عربستان دست به چنین کاری نزد و در روزهای خاص ایرانیان پا به میدان گفت‌وگو گذاشت و کشور قدرتمند چین را برای این مهم برگزید؛ چراکه می‌دانست ایران به‌ندرت به چین نه می گوید و این کشور نیز از اتوریته لازم برای انجام این گفت‌وگوها برخوردار است. تجربه گفت‌گوها در کشور عراق نشان داده بود کشور ضعیف نمی تواند گرانیگاه این کار مهم باشد. ایران هم با پذیرش این پیشنهاد نشان داد که در سیاست خارجی‌اش در روی یک پاشنه نمی‌چرخد و در شرایط متفاوت باید از برخی سیاست‌ها عقب‌نشینی کرد و نباید غافل بود که ایران در کهنسالی به سر می‌برد، برخلاف عربستان که در گرماگرم جوانی، جاه‌طلبی و خیره‌سری است. اگر اتفاق خارق‌العاده‌ای رخ ندهد، محمد بن سلمان در سه، چهار دهه آینده نقش تعیین کننده‌ای در عربستان و منطقه خواهد داشت؛ نقشی که در سند چشم‌انداز توسعه اقتصادی ۲۰۳۰ پیش‌بینی شده است. اگر عربستان بخواهد آینده سیاسی و اقتصادی خود را تضمین کند، راهی جز خلاصی از یک‌جانبه‌نگری یعنی دلگرمی به حمایت آمریکا ندارد و آمریکا نشان داده است بیش از آنکه دغدغه عربستان را داشته باشد، نگران وضعیت اوکراین و هند و اقیانوس آرام است. اگرچه این گفت‌وگوها ابتدا بین ایران و عمان مطرح شد؛ اما این چین بود که به آن عینیت بخشید و این ابتکار چین در طول تاریخ سیاست خارجی این کشور بی‌سابقه است؛ چراکه چین در هیچ مسئله خارجی که ربط مستقیمی به او نداشته، پادرمیانی نکرده است. این اقدام چین نشان می دهد چینی‌ها درصدد «هژمونی‌زدایی» آمریکا در منطقه هستند. از سوی دیگر چینی‌ها به فکر تجارتی بلندمدت در منطقه‌اند و این کار فقط با «صلح مسلح» بین ایران و عربستان صورت خواهد گرفت. چین بهتر از هر کشوری می‌داند اختلافات مهمی در حوزه یمن و لبنان بین ایران و عربستان وجود دارد که اگر لاینحل نباشد، به‌زودی حل‌شدنی نیست. شاید به همین دلایل است که درصدد برپایی اجلاس مهمی با حضور پررنگ این دو کشور قدرتمند در منطقه است و این کار بیش‌ازپیش ظن جایگزینی چین در منطقه را به جای آمریکا تقویت می کند. البته نباید تمایل عربستان ازجمله محمد بن سلمان را در این گفت‌وگو نادیده گرفت. عربستان با این کار هشداری جدی به آمریکا داد که ریاض دوستان دیگری هم برای شراکت دارد و چشم‌انتظار رفقای بی‌وفا نخواهد ماند. بن سلمان شخصیت جاه‌طلبی دارد که ایران باید آن را جدی بگیرد و در پی تحقیرش برنیاید، بن سلمان پسر بزرگ «فهده» همسر دوم ملک سلمان است که بیش از دیگر فرزندانش به او توجه داشت. محمد بن سلمان از همان ابتدا سودای حکمرانی در سر داشت و در ایام جوانی به دوستانش گفته بود برای پیشبرد عربستان برنامه‌های اساسی دارد. به همین منظور او مانند دیگر خواهرها و برادرهای تنی و ناتنی‌اش برای درس‌خواندن به کشورهای آمریکایی و اروپایی نرفت و در همان ریاض درس خواند و در کنار پدر همواره حاضر بود تا از او سیاست و حکمرانی را بیاموزد. سلمان (پدر) فرماندار ریاض بود و کسی باور نمی کرد اقبالی برای پادشاهی داشته باشد. سلمان بیست‌وپنجمین پسر پدری بود که سی‌وشش پسر داشت، سلمان در ۲۰سالگی به فرمانداری استان ریاض رسید و ۵۰ سال این منصب را در اختیار داشت. در همین مدت ریاض از یک بیابان به یک کیهان‌شهر تبدیل شد. شاید همین اصرار پدر بر توسعه و نوسازی عربستان است که بن سلمان را چنین شیفته توسعه ساخته است. برای شناخت محمد بن سلمان و عمق جاه‌طلبی‌اش باید ملک سلمان را شناخت؛ کسی که بی‌تردید استاد مسلم و مستقیم او است. بن سلمان در همین مدت کوتاه نشان داده برای محقق‌ساختن خواسته‌هایش از هر تاکتیکی سود خواهد برد، اگر گاه این تاکتیک حمله به مخالف باشد و گاه عقب‌نشینی در برابر او، هر دو یک معنا را خواهد داشت، زمانی که به پیروزی منتهی شود و ایران استثنائی بر این قاعده نیست.

آیا نفت واقعا ملی شده است؟

مرتضی افقه در روزنامه اعتماد نوشت: چرا منافع ناشی از فروش نفت به همه ملت نرسیده است؟ پاسخ به این سوال نیازمند توضیح و تحلیل بیشتری است که در زیر به صورت مختصر ارایه می‌شود: ملی شدن نفت از منظر حقوقی: در مقدمه بالا بیان کردم که از منظر حقوق بین‌الملل، ملی شدن نفت از ۱۳۲۹ تا انقلاب اسلامی فراز و فرودهایی را طی کرد تا سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی، مدیریت نفت، به‌طور کامل در اختیار حکومت ایران قرار گرفت. ملی شدن از منظر بهره‌مندی ملت: اکنون بعد از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب و حاکمیت کامل کشور بر منابع نفت و گاز، این پرسش قابل طرح است که آیا «نفت به معنی واقعی یعنی بهره‌مندی همه ملت از این منابع خدادادی ملی شده است»؟ منظور از ملت در اینجا همه فردفرد مردم در نسل کنونی و نسل‌های بعدی است.

پاسخ به این سوال از دو طریق قابل بررسی است.

اول: اینکه آیا همه درآمدهای نفتی به صورت برابر بین مردم توزیع شده یا می‌شود؟ در توضیح این سوال، یک دیدگاه این است که درآمدهای نفتی پس از دریافت توسط دولت، باید بین همه مردم به صورت مساوی توزیع شود و دولت از طریق اخذ مالیات ناشی از به جریان افتادن درآمد نفتی توسط مردم، خدمات عمومی خود را ارایه دهد. اما اینکه منافع نفت به نسل‌های بعدی هم می‌رسد یا خیر به این بستگی دارد که چه سهمی از درآمدهای نفتی صرف سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی که منافع‌شان بین نسلی است، شده یا خواهد شد؟

سئوال دوم، حال که نظریه فوق هرگز پذیرفته نشده و بنابراین عملیاتی و اجرا نشده، آیا حاکمیت به نمایندگی از ملت توانسته درآمدهای نفتی را به گونه‌ای سرمایه‌گذاری و مدیریت کند که همه ملت حتی به صورت نسبی از منافع آن بهره‌مند شوند؟ واقعیت آن است که ملی شدن نفت به لحاظ حقوق بین‌الملل و کوتاه کردن حاکمیت بیگانگان بر آن، شرط لازم برای بهره‌مندی ملت از منافع کامل آن بوده و هست، اما تامین شرط کافی، نیازمند اقدامات دیگری بود که به نظر نمی‌رسد تاکنون به معنی واقعی انجام شده باشد. اینکه نفت ملی نباشد و بخش قابل توجهی از منافع آن را بیگانگان تصاحب کنند، برای ملت چه تفاوتی دارد با اینکه نفت ملی شده باشد اما منافع آن به دلیل بی‌تدبیری یا سوءتدبیر و سوءاستفاده، به عده‌ای محدود و خاص تعلق گیرد و توسط آنها به همان کشورهای قدرتمند انتقال یابد؟

نتیجه هر دو اتفاق این است که هنوز اکثریت مردم از این هدیه خدادادی بهره‌مند نشده‌اند: و این یعنی آنکه نفت به معنی واقعی هنوز ملی نشده است. از منظر تکنولوژیکی: زمانی می‌توان ادعا نمود که نفت به صورت کامل ملی شده است که اراده و خواست بیگانگان بر کشف، استخراج و فروش آن تاثیرگذار نباشد. واقعیت آن است که به‌رغم پیشرفت‌های قابل‌توجهی که در بخش‌های فنی استخراج نفت حاصل شده است اما هنوز وابستگی فنی، علمی و تکنولوژیکی به کشورهای پیشرفته در هر سه مرحله کشف تا فروش به حدی هست که نتوان ادعا نمود نفت به صورت کامل ملی شده است.

این گفته بدان معنا نیست که در همه مراحل کشف تا فروش نفت الزاما باید خودکفا بود و هیچ ارتباطی با کشورهای دیگر نداشت، بلکه به این معناست که اگر به هر دلیلی کشورهای دیگر از کمک‌های فنی و علمی و تکنولوژیکی در امر کشف و استخراج نفت امتناع نمودند، کشور با اتکا به منابع انسانی، مالی و توان علمی و تکنولوژیکی خود بتواند ادامه حیات بدهد. تحمیل تحریم‌ها طی چهار دهه گذشته و به خصوص در زمان فعلی این ادعا را اثبات می کند که هنوز کشور به لحاظ علمی، فنی و تکنولوژیک در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی به کشورهای دیگر نیازمنداست، پس ملی بودن نفت به معنی واقعی محل تردید است.

ملی شدن نفت از منظر اقتصادی: با تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور از زمان کشف در ۱۱۴ سال پیش تاکنون، اقتصاد کشور ابتدا به مرور و از سال ۱۳۵۳ با افزایش چندبرابری قیمت نفت، با شتاب به نفت وابسته و معتاد شد.

این وابستگی، اقتصاد و حتی استقلال کشور را آسیب‌پذیر می‌نمود. به همین دلیل حتی از پیش از انقلاب یکی از اهداف سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور رهایی از وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی بود. بعد از پیروزی انقلاب، رهایی از وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی به یکی از شعارها و آرمان‌های اصلی تبدیل شد و در تمامی برنامه‌ها و سیاست گذاری‌های بعد از انقلاب جزو اهداف اصلی تلقی می‌شد. اما بعد از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب، کشور هنوز در آرزوی تحقق این شعار مانده است.

بر اساس آمارها و شواهد قطعی می‌توان اذعان نمود که امروز هم بودجه دولت و هم تولید ملی کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم بیش از ۹۰ درصد به درآمدهای نفتی وابسته مانده است و فشارهای ناشی از تشدید تحریم‌های چهار سال گذشته این ادعا را تایید می کند.

اینکه چرا هنوز اقتصاد کشور به نفت وابسته مانده و نیز منافع ناشی از فروش این منبع خدادادی به همه ملت نرسیده نیاز به تحلیل‌های جداگانه‌ای دارد که خارج از ظرفیت این نوشته کوتاه است.

حل جدول شرح در متن شماره ۳۳۳

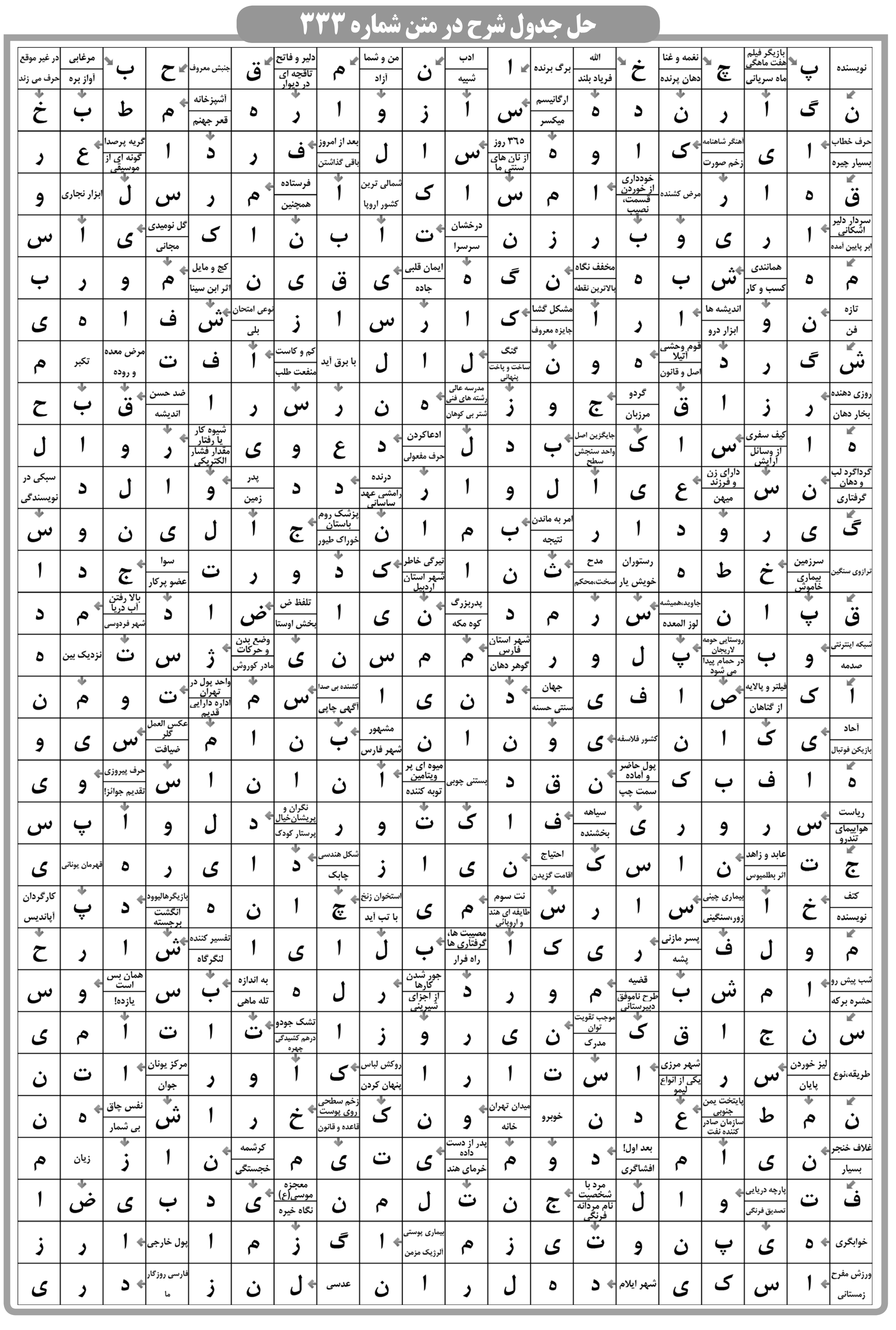

جدول کن کن

شماره ۱۹۵۹

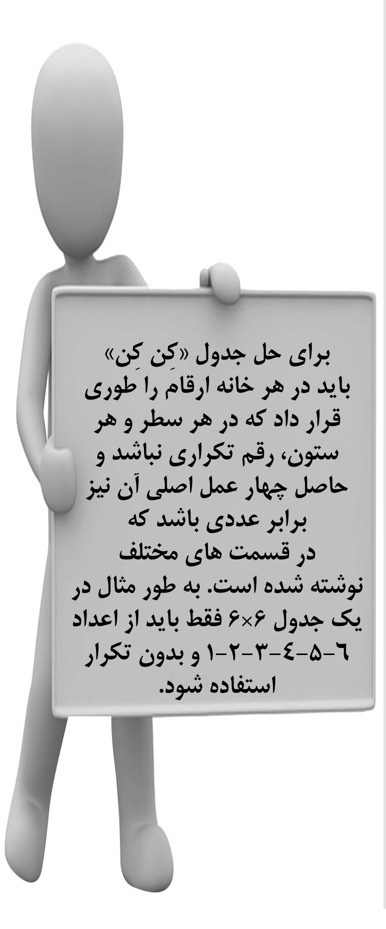

برای حل جدول «کِن کِن» باید در هر خانه ارقام را طوری قرار داد که در هر سطر و هر ستون، رقم تکراری نباشد و حاصل چهار عمل اصلی آن نیز برابر عددی باشد که در قسمت های مختلف نوشته شده است. به طور مثال در یک جدول ۶×۶ فقط باید از اعداد ٦-٥-٤-٣-٢-١ و بدون تکرار استفاده شود.

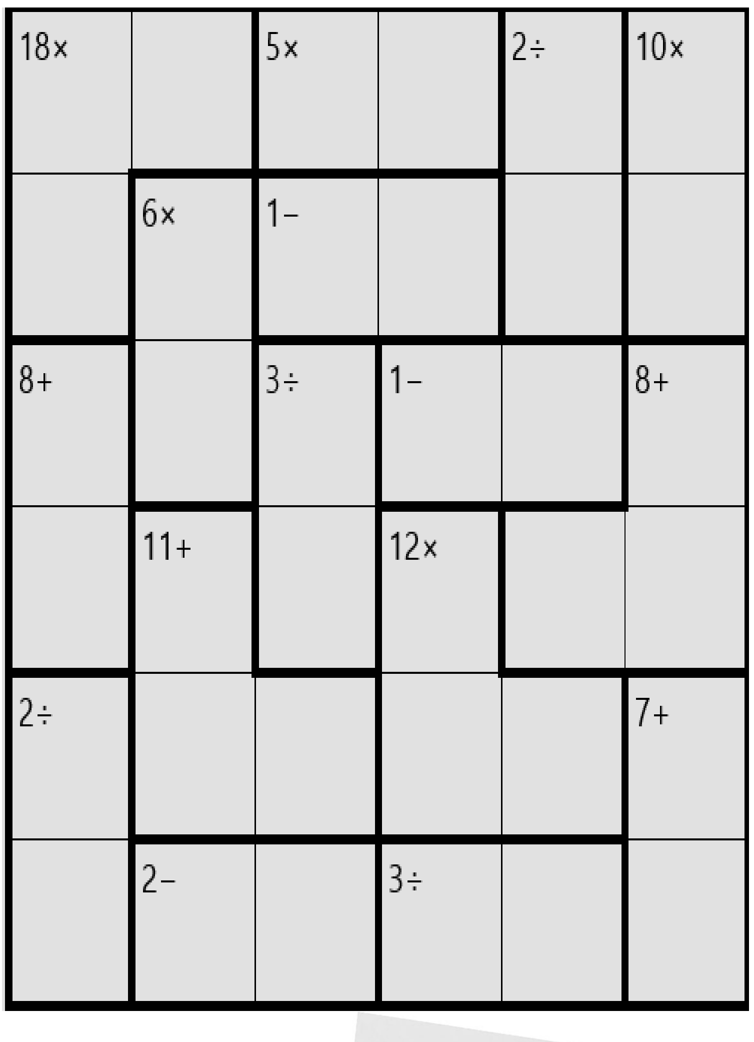

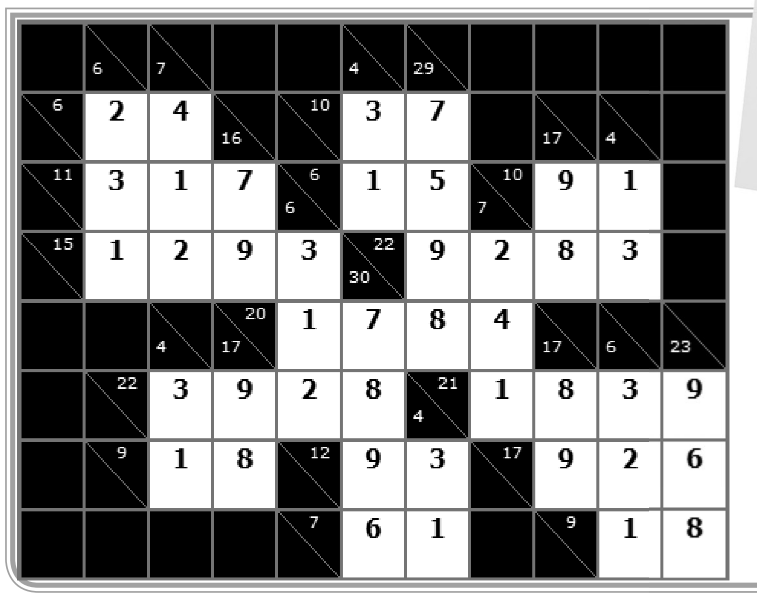

حل جدول کاکورو شماره ۳۰۸